



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق‌پژای بین‌الملل

Volume 3, Issue 2, 2025

Criminal Liability for Gross Violations of International Humanitarian Law by Intelligent Autonomous Weapons Systems as a War Crime

Mehrdad Teymouri¹, Seyyed Sajjad Kazemi^{*2}

1. Postdoctoral Research Fellow in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-15

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9943-3150

TELL: +989183861934

Email: sskazemi92@malayeru.ac.ir

Article history:

Received: 25 Mar 2025

Revised: 20 May 2025

Accepted: 10 Jun 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

Criminal Liability, Autonomous Weapons Systems, War Crime, Recklessness, International Humanitarian Law, Rome Statute.

ABSTRACT

The rapidly growing development of intelligent autonomous and automated weapon systems has become one of the most controversial sources of debate in the international arena. One of the many concerns that emerge about this technology is the existence of an accountability gap. This fear stems from the complexity of holding a human operator responsible for the possible malfunction of a weapon system; therefore, when these crimes are not intentional, the question arises as to who should be held criminally responsible for serious violations of international humanitarian law. Therefore, the aim of the present article is to examine the criminal liability arising from serious violations of international humanitarian law by intelligent autonomous weapon systems as a war crime, carried out qualitatively and based on inferences from sources and texts and in a descriptive-analytical manner. The findings and conclusions indicate that lethal autonomous weapon systems may cause serious violations of international humanitarian law, mainly because their target selection is highly unpredictable. Under current international criminal law, criminal liability can only be attributed when there is at least some intent and knowledge of the crime. The mere possibility of a violation is not sufficient to hold operators or programmers responsible for war crimes committed by lethal autonomous weapon systems. Command responsibility seems to be the most appropriate mode of liability, provided that these weapons are deployed under a specialized command structure. The command structure should include a group with technical expertise to test and continuously monitor the operation of the weapon systems.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Teymouri, M & Kazemi, SS (2025). "Criminal Liability for Gross Violations of International Humanitarian Law by Intelligent Autonomous Weapons Systems as a War Crime". *Journal of International Criminal Law*, 3(2): 1-15.

مقدمه

قانونی فعلی ما برای تخصیص مسؤلیت کیفری برای مقابله با خطرات و تهدیدات این سیستم‌های تسلیحاتی ناکافی است. از این رو هر عمل غیرقانونی بالقوه‌ای که توسط این سلاح‌ها مرتکب شود، هیچ فرمانده یا اپراتور انسانی نخواهد داشت که بتواند مستقیماً مسؤول اعمال نادرست سلاح باشد.

بیشتر ربات‌ها شبیه انسان نیستند. در واقع، بیشتر انواع هوش مصنوعی حتی تجسم فیزیکی ندارند که عملکرد خاصی را انجام دهد. در عوض، اکثر فناوری‌هایی که هوش مصنوعی نامیده می‌شوند، برنامه‌های یادگیری ماشینی هستند که روی رایانه‌ها اجرا می‌شوند. با این حال، اگر در نظر بگیریم که صرف نظر از سطح خودمختاری یک سلاح، همیشه درجاتی از دخالت انسان در عملیات آن وجود خواهد داشت (Sassóli, 2014: 323) و این که سلاح خودمختار (مانند هر سلاح دیگری) فقط ابزار عمل مجرمانه خواهد بود (Henderson et al, 2017: 359). هیچ دلیلی برای فرض وجود هر نوع شکاف پاسخگویی وجود ندارد. اخیراً، نگرانی در مورد «شکاف‌های مسؤولیت» در رابطه با هوش مصنوعی به‌طور کلی‌تر مطرح شده است، یعنی هر تکنیکی که برای حل مشکلاتی که به‌طور سنتی به هوش انسان اختصاص داده شده است. خطرات شکاف‌ها نه تنها در رابطه با ظرفیت‌های یادگیری شناسایی شده است، هوش مصنوعی، اما در درجه اول به کدورت، پیچیدگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن آن این سیستم‌ها به‌طور کلی نمایش داده می‌شوند (Mittelstadt et al, 2016: 5). علاوه بر این، تمرکز بر یادگیری خودکار یا «سیستم‌های مستقل» ممکن است خیلی محدود باشد شکاف‌های مسؤولیت ناشی از عوامل متعددی است و گاهی اوقات تنها با وجود ماشین‌هایی که یاد می‌گیرند و به‌خودی‌خود عمل کنند. در واقع، سیستم‌های فنی - اجتماعی به اندازه کافی به هم پیوسته، با هوش مصنوعی محدود و ظرفیت یادگیری است، اما با تکیه بر یک بافت پیچیده عوامل انسانی و سیستم‌های فنی، مانند بوروکراسی‌ها یا شرکت‌ها، همچنین ممکن است شکاف مسؤولیت ایجاد کند. در نظر گرفتن علل مختلف مسؤولیت شکاف‌های مربوط به هوش مصنوعی و اتوماسیون فراتر از «خودمختاری» و «یادگیری» به

رسالت اصلی حقوق جزای بین‌الملل با قواعد و مقررات ماهوی و شکلی خود و به‌عنوان «بازوی مسلح» نظام حقوقی بین‌المللی دفاع از نظم عمومی بین‌المللی و مجازات اشخاصی است که با ارتکاب جرایم بین‌المللی این نظام را مختل می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۱۶۹). از آنجایی که آینده از امروز آغاز می‌شود، منطقی است که به فناوری‌های کنونی نگاه کنیم، بررسی کنیم که پیشرفت‌های فناوری به کجا می‌روند و به کدام سمت باید آن‌ها را هدایت کنیم. اینجاست که مقررات وارد می‌شود. با کمک مقررات، می‌توان از توسعه فناوری‌های به‌ویژه مضر اجتناب کرد (یا حداقل خطرات مربوط به آن را کاهش داد) و توسعه فناوری‌های مفید برای جامعه را تسهیل کرد. به‌عبارت دیگر، برخی فناوری‌ها و برخی کاربردهای فناوری ممکن است خوب و مطلوب باشند (مانند اسکلت‌های بیرونی اندام تحتانی که به کاربران ویلچر کمک می‌کنند دوباره راه بروند)، برخی دیگر خوب و مطلوب نیستند (مثلاً برخی از سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار) و مقررات می‌تواند در ترویج یا توقف برخی از پیشرفت‌ها نقش داشته باشد. از آنجایی که ما هنوز در مراحل اولیه توسعه فناوری هوش مصنوعی هستیم، می‌توانیم شرایط را تنظیم کنیم (عباسی و تیموری، ۱۴۰۳: ۱۴). توسعه سریع و رو به رشد سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار مرگ‌بار^۱ به یکی از بحث‌برانگیزترین منابع بحث در حوزه بین‌المللی تبدیل شده است. پیچیدگی فناوری و امکانات بی‌حدوخصر، بسیاری را نسبت به توانایی سیستم حقوقی بین‌المللی کنونی ما برای رویارویی با بسیاری از سؤالات بی‌پاسخی که این فناوری مطرح می‌کند، به حداقل رسانده است. در این میان، یکی از ترس‌های زیادی که با این فناوری به‌وجود می‌آید، مسأله مسؤولیت کیفری است و باعث شده مخالفان آن از آن به‌عنوان استدلالی برای ممنوعیت استفاده کنند. عبارت است از دشواری ادعایی برای تخصیص مسؤولیت در یک اپراتور انسانی برای خرابی احتمالی سیستم‌های تسلیحاتی یا نقض هنجارهای حاکم بر درگیری‌های مسلحانه کسانی که از این موضع دفاع می‌کنند، استدلال می‌کنند که به دلیل پیچیدگی‌های این سیستم‌های تسلیحاتی، مکانیسم‌های

¹ - LAWS: Lethal Autonomous Weapon Systems

قوانین بین‌المللی بشردوستانه می‌شود. این‌ها انواع سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار از هوش مصنوعی برای یادگیری استفاده می‌کنند، یعنی بازخورد و داده‌های موجود از محیطی که در آن مستقر شده است، به عنصر یادگیری قوانین اجازه می‌دهد تا عملکرد خود را در موقعیت‌های آینده اصلاح و بهبود بخشد (Russel, 1996: 89-90). مزیت اصلی به‌کارگیری سیستم‌های هوش مصنوعی این است که در تجزیه و تحلیل داده‌ها و وظایف شناسایی الگو از انسان‌ها بهتر عمل می‌کنند (Krupiy, 2018: 48). در زمینه درگیری مسلحانه، این بدان معنی است که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار قادر به پردازش اطلاعات از چندین منبع مختلف به‌طور هم‌زمان هستند (Sparrow, 2016: 97) که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا انتخاب‌های هدف آگاهانه‌تری در زمان کمتر داشته باشند (Bills, 2014: 184). علاوه بر این، از آنجایی که قوانین عاری از احساسات انسانی هستند، می‌توانند تصمیمات آگاهانه و بی‌طرفانه‌تری بگیرند و همچنین در هنگام درگیری با یک هدف، اقدامات احتیاطی عملی‌تری نسبت به یک انسان انجام دهند.

با این وجود، از آنجایی که تصمیمات هدف‌گذاری سیستم‌های تسلیحات خودکار مرگ‌بار مبتنی بر الگوریتم‌ها و یادگیری ماشینی است (Margulies, 2012: 415). بدون هیچ مؤلفه اخلاقی که بتواند آن‌ها را راهنمایی کند، نمی‌توانند عنصر ذهنی لازم برای ارتکاب جنایت جنگی را در خود داشته باشند (Cass, 2015: 1019). از این رو مشکل این است که حتی اگر آن‌ها بتوانند اطلاعات را به‌طور مؤثرتری پردازش کنند، «آن‌ها درک درستی از معنا و زمینه واقعی پشت پدیده‌ها ندارند»، در نتیجه نگرانی اصلی پاسخگویی در به‌کارگیری قوانین مربوط به موقعیت‌هایی نیست که در آن فرمانده یا اپراتور به‌طور هدفمند به‌کار گرفته شده‌اند، به‌نحوی که قوانین بین‌المللی بشردوستانه را نقض می‌کند. پاسخ در این شرایط بدیهی است، زیرا عنصر ذهنی جنایات جنگی، موجود است، بلکه با شرایطی که در آن سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار به شیوه‌ای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرقابل اعتماد انجام دهید (Krupiy, 2018: 50). بدون این که هیچ فرصتی به اپراتور انسانی داده شود تا مسیر عمل خود را نادیده بگیرد. این مطمئناً می‌تواند در مورد

حک کردن مشکل در مفاصل مناسب به سمت راه حل‌های ممکن کمک می‌کند و بینش بهتری ارائه می‌دهد

۱- سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار مرگ‌بار

سیستم‌های تسلیحاتی تمام اجزای مورد نیاز برای عملکرد ماشینی هستند که برای صدمه زدن، آسیب‌رساندن، تخریب یا از کار انداختن کارکنان نظامی یا اموال در نظر گرفته شده است. سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار، سیستم‌های تسلیحاتی هستند که حالت عملیاتی خود را در پاسخ به چالش‌ها و شرایط موجود در محیط تطبیق می‌دهند که آن‌ها مستقر هستند (Mull, 2018: 476). بنابراین سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار سلاح‌هایی هستند که برای حمله مرگ‌بار یا مجهز به قابلیت‌های کشنده طراحی شده‌اند.

سه دسته از سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار زیر براساس میزان دخالت انسان در اقدامات آن‌ها است که برای درک مشکل مناسب هستند: ۱- سلاح‌های انسان در حلقه: ربات‌هایی که می‌توانند اهداف را انتخاب کنند و فقط با فرمان انسان نیرو تحویل دهند؛ ۲- سلاح‌های انسان روی حلقه: ربات‌هایی که می‌توانند اهداف را انتخاب کنند و تحت نظارت یک اپراتور انسانی که می‌تواند اقدامات ربات‌ها را نادیده بگیرد، نیرو ارائه می‌کنند؛ ۳- سلاح‌های انسان خارج از حلقه: ربات‌هایی که می‌توانند اهداف را انتخاب کنند و بدون هیچ‌گونه دخالت یا تعامل انسانی، نیرو را تحویل دهند. باتوجه به دسته اول، «انسان در حلقه»، اپراتور انسانی تمام تصمیمات را در رابطه با انتخاب هدف و استفاده از زور می‌گیرد؛ بنابراین در حال حاضر موضوع پاسخگویی وجود ندارد. در این صورت، هرگونه نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در حین به‌کارگیری این نوع سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار، در صورتی که با عنصر روانی لازم انجام شود، از طریق مسؤلیت فرمانده، به اپراتور و احتمالاً به فرمانده آن نسبت داده می‌شود. با این حال، دو دسته آخر شامل سلاح‌هایی می‌شوند که می‌توانند به‌تنهایی و بدون نیاز به مشارکت انسانی تصمیم‌گیری برای هدف‌گیری بگیرند. این عدم مشارکت انسانی است که باعث نگرانی در مورد پاسخگویی در شرایطی می‌شود که عملیات سیستم‌های تسلیحات خودکار مرگ‌بار باعث نقض شدید

شناخته می‌شوند. سیستم‌های کاملاً خودمختار اغلب به گونه‌ای تصور می‌شوند که قادر به مشاهده، جهت‌یابی، تصمیم‌گیری و عمل بدون مداخله انسان هستند و انسان را برای انجام وظیفه غیرضروری می‌کنند (Sparrow, 2007: 68). متداول‌ترین انواع سلاح‌ها با عملکرد خودمختار سیستم‌های دفاعی هستند. این شامل سیستم‌هایی مانند مین‌های ضدخودرو و ضدنفر می‌شود که پس از فعال شدن، براساس مکانیسم‌های ماشه به طور مستقل عمل می‌کنند. سیستم‌های جدیدتر که از فناوری‌های پیشرفته‌تر استفاده می‌کنند، شامل سامانه‌های دفاع موشکی و سامانه‌های نگهبانی می‌شوند که می‌توانند به‌طور مستقل اهداف را شناسایی کرده و درگیر شوند و هشدارهایی را صادر کنند. نمونه‌های دیگر عبارتند از مهمات پرسه‌زن (همچنین به‌عنوان انتحاری، کامیکازه یا پهپاد انفجاری شناخته می‌شود) که حاوی یک سرچنگی داخلی (مهمات) است و در اطراف یک منطقه از پیش تعریف‌شده منتظر می‌ماند تا زمانی که یک هدف توسط اپراتور روی زمین یا توسط حسگرهای خودکار روی هواپیما قرار گیرد و سپس به هدف حمله کند. این سیستم‌ها برای اولین بار در دهه ۱۹۸۰ ظهور کردند. با این حال، عملکردهای سیستم آن‌ها از آن زمان به‌طور فزاینده‌ای پیچیده شده است و از جمله موارد دیگر، امکان برد طولانی‌تر، بار سنگین‌تر و ترکیب بالقوه فناوری‌های هوش مصنوعی را فراهم می‌کند. وسایل نقلیه زمینی و دریایی با قابلیت‌های خودران نیز به‌طور فزاینده‌ای در حال توسعه هستند. این سیستم‌ها عمدتاً برای شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات طراحی شده‌اند، اما ممکن است دارای قابلیت‌های تهاجمی باشند.

سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار برای انجام وظایف خود در غیاب جهت یا ورودی یک بازیگر انسانی به «خودمختاری» نیاز دارند. هوش مصنوعی پیش‌نیازی برای عملکرد سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار نیست، اما در صورت ترکیب،

انواع انسان در حلقه^۱ از قوانین رخ دهد، اما همچنین در مورد سلاح‌های انسان روی حلقه^۲ در مواردی که به دلیل سرعت واکنش سلاح به یک محرک خاص، اپراتور قادر به واکنش به‌موقع به تصمیم هدف‌گیری نیست (Halajová, 2020: 145). برای عملیاتی‌شدن سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار، ابتدا باید با قوانین بین‌المللی بشردوستانه مطابقت داشته باشد. این بدان معنی است که هنگام انتخاب یک هدف، باید اصول ضرورت^۳ تمایز^۴ و تناسب^۵ را اعمال کند و قبل از درگیر شدن باید تمام اقدامات احتیاطی ممکن را انجام دهد.^۶ سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار که بتواند با استقلال کامل از اپراتور انسانی عمل کند و با قوانین بشردوستانه بین‌المللی مطابقت داشته باشد، هنوز وجود ندارد (Crotoft, 2015: 919). با این حال، باتوجه به وضعیت فعلی پیشرفت فناوری، موضوع «چه زمانی» و نه «اگر» این سیستم‌های تسلیحاتی در دسترس قرار می‌گیرند. به همین دلیل، در بخش زیر سعی شده است به این سؤال پاسخ داده شود که چه کسی می‌تواند در قبال هرگونه نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه که ناشی از عملکرد پیش‌بینی نشده این نوع سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار باشد، مسؤؤل کیفری شناخته شود.

۲- سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار هوشمند

سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار هوشمند اغلب براساس میزان مداخله انسانی که برای استفاده از آن‌ها لازم است، از فناوری‌های تسلیحاتی کنترل از راه دور و خودکار (خودمختار) متمایز می‌شوند. سیستم‌های کنترل از راه دور توسط یک اپراتور انسانی اداره می‌شوند، که نمونه بارز آن استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین کنترل از راه دور (مانند پهپادها) است. سیستم‌های خودکار (خودمختار) ممکن است بدون انسان کار کنند، اما در حوزه کنترل انسان باقی می‌مانند، زیرا طبق مشخصات از پیش برنامه‌ریزی‌شده عمل می‌کنند. این سیستم‌ها را براساس «سطوح» یا «مقیاس‌های» خودمختاری

^۱- پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و مربوط به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی. ۴۸، ۵۱(۲) و ۵۲(۲)، ۸ ژوئن ۱۹۷۷، 1125 U.N.T.S. 609 (پروتکل الحاقی I).

^۲- پروتکل الحاقی، ماده ۵۱(۵)(ب) و ۵۷.

^۳- پروتکل الحاقی، ماده ۵۷.

^۱- Human-of-the-Loop

^۲- Human-on-the-Loop

^۳- کنوانسیون مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، ۱۲ اوت ۱۹۴۹.

باین‌حال، برخلاف استفاده از هر سلاح دیگری، هنگامی که صحبت از سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار به میان می‌آید، تصمیم به استقرار نیروی کشنده بر روی دستگاه می‌افتد (Cass, 2015: 1019). از این‌رو، چون یک ماشین نمی‌تواند قصد ارتکاب جنایت جنگی را داشته باشد. نگرانی‌هایی در رابطه با پاسخگویی به نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی ناشی از اجرای سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار وجود دارد.

این نگرانی‌ها در مواردی وجود ندارد که: ۱- یک فرد عمداً سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار را برای ارتکاب نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه برنامه‌ریزی کند؛ ۲- اپراتور عمداً سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار را به کار می‌گیرد که قادر به تمایز بین اهداف قانونی و غیرقانونی در یک منطقه شهری نیست؛ ۳- یک فرمانده دستور استفاده نامناسب از سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار را بدهد. در این موارد بحثی در مورد اعمال مناسب مسؤولیت کیفری بین‌المللی وجود ندارد، زیرا عنصر روانی جنایات جنگی به‌وضوح وجود دارد. مشکل زمانی به‌وجود می‌آید که به‌دلیل «غیرقابل پیش‌بینی بودن ذاتی و ظرفیت تخریبی آن‌ها» سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار، قوانین بین‌المللی بشردوستانه را بدون اقدام عمدی هیچ‌کس نقض می‌کند (Wagner, 2014: 1409). بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چه کسی، باید از نظر کیفری مسؤول عواقب مرگ‌بار اقدامات پیش‌بینی نشده باشد. لازم به‌ذکر است که به‌دلیل ماهیت سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار، احتمال ارتکاب جنایات جنگی بیشتر است^۱، به‌ویژه، جنایات کشتن یا زخمی کردن غیرنظامیان که مستقیماً در خصومت‌ها یا جنگ‌جویان غیرنظامی شرکت نمی‌کنند، تخریب اموال غیرنظامی و حفاظت‌شده و وارد کردن آسیب شدید به محیط‌زیست طبیعی^۲.

هوش مصنوعی می‌تواند چنین سیستم‌هایی را بیشتر فعال کند. به‌عبارت دیگر، همه سیستم‌های تسلیحاتی مستقل از هوش مصنوعی برای اجرای وظایف خاص استفاده نمی‌کنند. قابلیت‌های خودمختار را می‌توان از طریق وظایف از پیش تعریف شده یا دنباله‌ای از اقدامات براساس پارامترهای خاص یا از طریق استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی برای استخراج رفتار از داده‌ها ارائه کرد؛ بنابراین به سیستم اجازه می‌دهد تا تصمیمات مستقل بگیرد یا رفتار را براساس شرایط متغیر تنظیم کند. هوش مصنوعی همچنین می‌تواند در نقش کمکی در سیستم‌هایی که مستقیماً توسط انسان اداره می‌شوند، استفاده شود. به‌عنوان مثال، یک سیستم بینایی کامپیوتری که توسط یک انسان اداره می‌شود، می‌تواند از هوش مصنوعی برای شناسایی و جلب توجه اشیای قابل توجه در میدان دید استفاده کند، بدون این‌که توانایی پاسخگویی مستقل به آن اشیاء را به هیچ وجه داشته باشد.

از همین‌رو، سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار که بدون کنترل یا نظارت انسانی عمل می‌کنند می‌توانند نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه گردند. همچنان که طراحی، توسعه و استفاده از این سیستم‌ها نگرانی‌های بشردوستانه، حقوقی، امنیتی و اخلاقی را به‌دنبال دارد و تهدیدی مستقیم برای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.

۳- مسؤولیت کیفری

حقوق کیفری بین‌المللی بر مفهوم مقصر استوار است که بدون آن مجازات کیفری یک شخص ناعادلانه به‌نظر می‌رسد. بنابراین برای احراز ارتکاب جرم، دادگاه باید بررسی کند که آیا عناصر مربوط به جرم وجود دارد یا خیر. این عناصر عبارتند از عمل یا عنصر عینی جرم که شامل فعل یا ترک معمولی است که توسط جرم مجازات می‌شود و عنصر معنوی یا عنصر روانی که با قصد مرتکب سروکار دارد.

سیاسی یا نظامی یک کشور کنترل یا هدایت کند» (اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی ماده ۲۵ بند ۳، ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، 38544 U.N.T.S. 2187)؛ بنابراین به‌جز در موارد مسؤولیت فرماندهی اقدامات غیرقابل پیش‌بینی توسط سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار به‌ندرت در این دسته قرار می‌گیرد.

۲- اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی ماده ۸، ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، ۲۱۸۷ U.N.T.S. 38544 (اساسنامه رم).

۱- طبق قوانین کیفری بین‌المللی ۴ نوع جنایات بین‌المللی وجود دارد: ۱- نسل‌کشی؛ ۲- جنایات علیه بشریت؛ ۳- جنایات جنگی؛ ۴- جنایت تجاوز. به‌دلیل ماهیت قوانین، جنایات جنگی به احتمال زیاد با استقرار آن‌ها انجام می‌شود، زیرا به‌قصد خاصی مانند نسل‌کشی نیاز ندارند یا بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک، مانند جنایات علیه بشریت. علاوه‌بر این، برای نسبت‌دادن مسؤولیت جنایت تجاوز، شخص باید «در موقعیتی باشد که بتواند به‌طور مؤثر بر اقدامات

۳-۱- مسؤولیت کیفری فردی

تحولات معاصر در حوزه حقوق بین‌الملل، نتیجه تولد مفاهیم جدیدی از مفهوم حاکمیت دولت‌ها می‌باشد. در مفهوم کلاسیک حاکمیت دولت‌ها، قدرت‌های حاکم از مصونیت‌های خاصی برخوردار بوده که در پرتو این مصونیت‌ها، دولت‌ها دارای اقتدار عام و خدشه‌ناپذیر بوده و هیچ مکانیزم خاصی برای کنترل رفتار حاکمیت‌ها در ارتباط با اعمال آن‌ها پیش‌بینی نشده بود. بر همین اساس نیز منشور سازمان ملل متحد نیز با تصریح بر اصالت حاکمیت‌ها، مقررات این منشور را از دخالت در حوزه حاکمیتی دولت‌ها بازداشته و مرز مشروعیت اقدامات سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را تا حد رعایت کامل اصل «حاکمیت دولت‌ها» و «برابری حاکمیت‌ها» شناسایی نموده است. تحولات پیش‌گفته در عرصه حقوق بین‌الملل به‌ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، موجب شد تا «حقوق فرد» منصرف از انتسابات ملیتی، نژادی و قومیتی، موضوعیت یافته و دولت‌ها در رفتار با ملت‌های خود، تابع اصول و مقررات خاصی باشند که در یک مفهوم کلی، از این مقررات با عنوان «مقررات حقوق بشر» یاد می‌شود. این مسأله به‌همراه طرح موضوعات جدی تخلفات دولت‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری، سبب شد تا در این شاخه از حقوق بین‌الملل عام نیز تعهداتی خاص برعهده دولت‌ها قرار داده شود که این تعهدات، جدای از تعهدات اصلی حقوق بین‌الملل کیفری و اصل «مسؤولیت کیفری فردی» می‌باشد (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۲۳). مشکل نسبت‌دادن مسؤولیت‌های کیفری برای اقدامات غیرقابل پیش‌بینی سیستم‌های تسلیحات خودکار مرگ‌بار این است که تصمیمات هدف‌گیری آن‌ها نمی‌تواند عنصر روانی لازم برای وقوع یک جنایت بین‌المللی را شامل شود؛ بنابراین تصمیماتی که نیاز به بررسی دقیق دارد، تصمیمات مربوط به افراد درگیر در استقرار آن است.

وضعیت فعلی قانون برای مرگ تصادفی افراد حمایت شده یا آسیب به اموال حفاظت‌شده این است که مسؤولیت کیفری وجود ندارد (Ohlin, 2016: 361). از این نظر، اقدامات

غیرقابل پیش‌بینی سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار با اشتباهی که یک جنگجوی انسانی با سلاح دیگری انجام می‌دهد، تفاوتی ندارد (Bo, 2021: 24). بنابراین هیچ دلیلی برای برخورد متفاوت با نقص قانون وجود ندارد، پس سؤال این است که چگونه با مواردی که در آن یک سیستم تسلیحات خودمختار مرگ‌بار به کار می‌رود، برخورد کنیم و اپراتور، فرمانده یا برنامه‌نویس می‌داند که خطر وقوع حادثه وجود دارد.

به‌نظر می‌رسد این موقعیت‌ها در مفهوم بی‌پروایی یا غیرقابل پیش‌بینی^۱ قرار می‌گیرند. مفهوم قصد قانونی کاملاً مشابه بی‌پروایی نیست (Badar & Porro, 2015: 657)، اما برای اهداف این فصل از آن‌ها به‌صورت غیرتمایز استفاده می‌شود، زیرا مستلزم آگاهی مرتکب «از احتمال قابل توجهی است که یک عمل یا ترک فعل مجرمانه در نتیجه رفتار او رخ می‌دهد» و پذیرش آن عواقب از این نظر، استقرار سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار با آگاهی از وجود خطر بالای نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه، در این دسته قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱- قصد و آگاهی

مشکل این که آیا جنایات جنگی می‌توانند با غیرقابل پیش‌بینی و/یا بی‌احتیاطی مرتکب شوند، موضوع بحث است (Finnin, 2012: 176). به این ترتیب، برای کسانی که معتقدند حداقل برخی از جنایات بین‌المللی، به‌ویژه جنایات جنگی، می‌توانند با غیرقابل پیش‌بینی انجام شوند (Werle & Jeßberger, 2014: 191)، اجرای سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار با آگاهی از این که احتمال قابل توجهی نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه وجود دارد، می‌تواند مستلزم مسؤولیت کیفری باشد. نتیجه این است که اگر یک اپراتور، برنامه‌نویس یا فرمانده ۱- از نقص سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار و احتمال مرگ، جراحت یا آسیب غیرقانونی به افراد یا اموال محافظت‌شده آگاه باشد؛ ۲- این خطرات را می‌پذیرد؛ ۳- به استفاده از آن ادامه می‌دهد، آن‌ها می‌توانند به دلیل ارتکاب جنایات جنگی تحت پیگرد قانونی قرار گیرند (Geiß &

^۱ - وضعیت روانی کسی که احتمال می‌دهد که نتیجه‌ای مضر یا غیرقانونی از عمل او به‌وجود بیاید (بدون این که بخواهد آن پیامد را داشته باشد)، اما کسی که بدون توجه به آن عمل را انجام می‌دهد.

رخ خواهد داد و علم مستلزم آن است که فرد از شرایط مربوطه آگاه باشد و در جریان عادی وقایع عواقبی رخ دهد.

دیوان کیفری بین‌المللی تعبیر کرده است که عبارت «در جریان عادی رخ خواهد داد» فقط شامل شرایطی می‌شود که مرتکب قصد وقوع پیامد خاصی را نداشته باشد، اما با علم به وقوع آن، آن را می‌پذیرد (غیرقابل پیش‌بینی در درجه دوم).^۱ در مقابل، برخی استدلال می‌کنند که الزام آگاهی شامل دقیق‌ترین تعریف از غیرقابل پیش‌بینی می‌شود که در آن مرتکب می‌داند «خطر بالایی» از وقوع یک پیامد وجود دارد (Bo, 2021: 18-20). با این وجود، گنجانیدن کلمه «اراده» در مقابل «ممکن» مستلزم آن است که یک نتیجه خاص عملاً به وقوع خواهد پیوست؛ بنابراین آگاهی از احتمال قابل توجهی از نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه برای نسبت‌دادن مسئولیت کیفری فردی به برنامه‌نویس، اپراتور یا فرمانده کافی نیست، به‌ویژه، زیرا چنین احتمالی، هرچند زیاد، صرفاً یک احتمال یا احتمال وقوع عواقب است (Ambos, 2013: 276-277). در نتیجه، براساس قواعد عمومی مسئولیت کیفری فردی، برنامه‌نویسان، اپراتورها و فرماندهان نمی‌توانند در قبال استقرار سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار با علم به این که خطر بالایی نقص عملکرد دستگاه وجود دارد، مسؤول شناخته شوند، زیرا آن‌ها هرگز اطمینان لازم را از جنایت جنگی نخواهند داشت. حاصل خواهد شد. به هر حال پذیرفته شده است که عبارت «مگر این که خلاف آن مقرر شده باشد» در ماده ۳۰ اساسنامه رم اجازه می‌دهد تا استاندارد کلی قصد و آگاهی کاهش یابد، افزایش یافت یا با یک قصد خاص تکمیل شود. در این رابطه، ماده ۸ اساسنامه رم و عناصر جنایات، عنصر روانی متفاوتی را برای جنایات جنگی قابل ارتکاب توسط سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار در نظر نمی‌گیرد، اما شیوه‌های مختلف مسئولیت کیفری ممکن است به عنصر روانی پایین‌تری نیاز داشته باشد.

(Lahmann, 2017: 393). با این حال، می‌توان بحث کرد که غیرقابل پیش‌بینی یا بی‌احتیاطی یک نوع قابل قبول از قصد برای انتساب مسئولیت کیفری است، حتی اگر رویه قضایی از دادگاه‌های جنایی موقت وجود دارد که از شمول آن حمایت می‌کند، به‌نظر می‌رسد که رویه دولتی به‌شکل دیگری نشان می‌دهد. در واقع، پیش‌نویس‌های اولیه اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم) در اصل شامل یک پاراگراف در ماده عنصر روانی بود که امکان ارتکاب جرم با بی‌احتیاطی را تشخیص می‌داد، اما بعداً تصمیم به حذف آن گرفت. این حذف نشان‌دهنده قصد آن‌ها برای حذف مفاهیم بی‌احتیاطی و غیرقابل پیش‌بینی به‌عنوان یک عنصر روانی احتمالی برای ارتکاب جنایات بین‌المللی است (Schabas, 2016: 630). علاوه بر این، رویه قضایی دادگاه‌های موقت از مصادیق رویه دولتی نیست، بنابراین نمی‌توانند هنجارهای عرفی ایجاد کنند (Ohlin, 2013: 108)، به‌ویژه با توجه به این که نمایندگان ایالتی که در تدوین اساسنامه رم شرکت کردند از مسئولیت ناشی از بی‌پروایی یا غیرقابل پیش‌بینی ناراحت بودند و در نهایت این تصورات با اجماع رد شد (Clark, 2008: 529). به‌علاوه، تمام هدف از ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری جهانی، آزادسازی حقوق کیفری بین‌المللی «از خاستگاه عرفی آن به نفع یک فرآیند تدوین سخت‌گیرانه و دقیق بود که خواسته‌های اصل قانونی‌بودن را برآورده می‌کرد»؛ بنابراین بدون رویه دولتی روشن و نظر حقوقی که با اساسنامه رم و عناصر جنایت «که توسط کشورهای عضو مذاکره شد» متفاوت است (Ohlin, 2013: 109). به‌سختی می‌توان غیرقابل پیش‌بینی را یک شکل قابل قبول از قصد برای جنایات جنگی در نظر گرفت. بنابراین براساس ماده ۳۰ اساسنامه رم، مگر این که خلاف آن مقرر شده باشد، جنایات جنگی فقط با عمد و آگاهی قابل ارتکاب است. مقصود مستلزم آن است که شخص قصد داشته باشد که در رفتار شرکت کند و نتیجه را ایجاد کند یا حداقل آگاه باشد که نتیجه مذکور در جریان عادی حوادث

^۱ - دادستان علیه بمبا، پرونده شماره ICC-01/05-01/08، تصمیم براساس ماده ۶۱(الف) و (ب) اساسنامه رم در مورد اتهامات دادستان علیه ژان پیر بمبا گومبو، پاراگراف ۳۶۰ (۱۵ ژوئن ۲۰۰۹).

مسئولیتی که یک شخص به‌طور غیرمستقیم در آن دخالت دارد، برای تخصیص مسئولیت به اپراتور، برنامه‌نویس یا فرمانده آن برای جنایات جنگی که توسط سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار مرتکب شده‌اند، مناسب هستند. در این زمینه، تنها شیوه‌های مسئولیت ارتکاب غیرمستقیم، سفارش دادن، درخواست کردن یا القا کردن و کمک و مشارکت، مندرج در ماده ۲۵(الف)(۳) (ب) و (ج) اساسنامه رم، ممکن است مناسب باشد.

با این وجود، این شیوه‌های مسئولیت الزامات عنصر روانی را کاهش نمی‌دهند یا برای غیرقابل پیش‌بینی بودن سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار مناسب نیستند. در واقع، تحت ارتکاب غیرمستقیم، بازیگر باید کنترل کامل جرم را داشته باشد، مسئولیت یک شخص باید با الزامات قصد و آگاهی مطابقت داشته باشد. علاوه بر این، هنگام سفارش، القا، درخواست، کمک، مشارکت یا به هر نحوی کمک به جرم، شخص فقط موظف است از قصد خاص مرتکب بدون نیاز به اشتراک آن آگاهی داشته باشد (Werle & Jeßberger, 2014: 215-219). حذف قصد عنصر روانی پایین‌تری را تشکیل می‌دهد، با این حال، به دلیل ماهیت غیرقابل پیش‌بینی قوانین، یک اپراتور، برنامه‌نویس یا فرمانده هرگز نمی‌تواند با سطح اطمینان مورد نیاز ماده ۳۰ اساسنامه رم، بفهمد که یک جنگ وجود دارد، جرم مرتکب خواهد شد.

بر این اساس، این شیوه‌های مسئولیت کیفری فردی برای مسئول دانستن اپراتورها، برنامه‌نویسان و فرماندهان برای اجرای سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار زمانی که خطر ارتکاب جرم وجود دارد، کافی نیست. با این حال، همان‌طور که در بخش زیر تحلیل خواهد شد، این بدان معنا نیست که هیچ‌کس نمی‌تواند مسؤول شناخته شود.

۳-۲- مسئولیت فرمانده

یکی دیگر از شیوه‌های مسئولیت کیفری، مسئولیت برتر است که براساس آن یک فرمانده می‌تواند به دو طریق مختلف برای یک جنایت بین‌المللی مسئولیت کیفری داشته باشد: اول، به دلیل مسئولیت فردی خود در صدور دستور یک جنایت بین‌المللی؛ دوم، برای مسئولیت فرماندهی آن (Henckaerts

اساسنامه رم، در خصوص موجبات عدم تعقیب، در ماده ۳۱، اشخاصی را که سن آن‌ها کمتر از هجده سال باشد، از شمول صالحیت دیوان استثناء می‌نماید، درحالی‌که ماده ۳۷ هرگونه تأثیر سمت رسمی اشخاص را نسبت به تعقیب آنان در برابر دیوان، منتفی اعلام می‌دارد و عدم شمول مرور زمان نیز در ماده ۳۱ مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۵۰ موارد زیر را به عنوان مبانی معافیت از مسئولیت کیفری در چهارچوب اساسنامه، احصا می‌نماید: ۱- بیماری یا نقیصه روانی؛ ۲- مستی؛ ۳- دفاع مشروع؛ ۴- اکراه؛ ۵- سایر مبانی خرد حتی در عمل به شرحی که در ماده ۳۰ ذکر شده است. ماده ۳۳: استناد به اشتباه: حکم به موضوعی را به‌عنوان مبنایی برای معافیت از مسولیت کیفری، در صورت می‌پذیرد که عنصر روانی جرم را منتفی سازد یا در مورد اشتباه حکمی، مشمول استثنایی قرار گیرد که در ماده ۵۵ راجع به او امر مافوق و اجازه قانون، مقرر شده است. ماده ۵۵ به نوبه خود مقرر می‌دارد که او امر مافوق، مانع مسئولیت کیفری شخص نمی‌گردد، مگر آن‌که شروط خاصی تحقق یابد، از جمله آن‌که دستور مورد نظر، آشکارا غیرقانونی نبوده باشد (رفیعی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹۱). دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان برجسته‌ترین اقدام جامعه بین‌المللی در زمینه حقوق جزای بین‌المللی باید بتواند یک سیستم تعیین مجازات، مقتدر و منصفانه و عادلانه را با در نظر گرفتن عوامل مختلف مؤثر بر تعیین مجازات و رعایت حقوق بشر در رسیدگی‌های کیفری و محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی، پایه‌ریزی نماید تا بتواند شکافی را که از ناتوانی دادگاه‌های داخلی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری بین‌المللی ناشی می‌شود، پر نماید (خاقانی اصفهانی و تیموری، ۱۴۰۳: ۲۹).

۳-۱-۲- شیوه‌های مسئولیت کیفری

به‌طور معمول جرایم بین‌المللی در گستره وسیعی رخ می‌دهند. وسعت قلمرو بر شمار افراد درگیر در آن‌ها می‌افزاید؛ بدان‌گونه که در ارتکاب این جرایم، شمار بی‌شماری به‌طور غیرمستقیم و مستقیم بی‌بند دارند. این بی‌بند در چهارچوب‌هایی نظیر مباشرت، سببیت، معاونت، آمریت، تحریک و عضویت در گروه می‌تواند نمود یابد (خالقی و میرزایی مقدم، ۱۳۹۲: ۹۷). اگر ماهیت خودمختار آن‌ها را در نظر بگیریم، فقط آن دسته از شیوه‌های

آن‌ها دشوار خواهد بود (Halajová, 2020: 144). این بدان معنی است که فرماندهان نمی‌توانند کنترل مؤثری بر آن‌ها اعمال کنند و بر این اساس هیچ مسئولیتی پیش نخواهد آمد.

با این وجود، چنین نتیجه‌گیری‌هایی با فرض نادرستی که در آن پایه‌گذاری شده‌اند تا حدودی همراه می‌شوند. همان‌طور که در بخش قبل توضیح داده شد، اقدامات پیش‌بینی نشده توسط سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار در محدوده اشتباهات انسانی است که در به‌کارگیری هر نوع سلاح وجود دارد و تا زمانی که آن‌ها تصادفی و در محدوده اشتباهات یک اپراتور انسانی استاندارد باشند (Henderson et al, 2017: 343)، آن‌ها نمی‌توانند منشأ هر نوع مسئولیت کیفری فردی باشند. لازم به‌ذکر است این بدان معنا نیست که نمی‌توان از اجرای غیرقانونی سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار جلوگیری کرد و به این ترتیب، این اقدامات در حیطه کنترل مؤثر فرمانده استقرار آن قرار می‌گیرد.

۳-۲-۲- عنصر روانی

لازمه دوم مسئولیت فرمانده، وضعیت روحی فرمانده است که از تبدیل شدن این نوع مسئولیت به مسئولیت شدید جلوگیری می‌کند، یعنی «آگاهی یا آگاهی سازنده» رویه قضایی کیفری بین‌المللی کاملاً روشن نیست که آیا فرمانده وظیفه کلی جمع‌آوری اطلاعات را دارد یا خیر. در این صورت، کوتاهی او در جستجوی این اطلاعات به معنای نقض وظیفه او برای جلوگیری است یا این که آیا فرمانده باید به اطلاعات خاصی در رابطه با ارتکاب احتمالی یک جنایت خاص دست یابد که لزوماً او را ملزم به انجام تحقیقات می‌کند (Martinez, 2007: 556-650)، لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که حداقل نظارت و به‌روزرسانی مداوم پایگاه‌های داده برای جلوگیری از هرگونه رفتار ناخواسته و نامنظم ضروری باشد؛ بنابراین هر فرماندهی که مسؤول استقرار یک قانون خاص است، اطلاعات کافی برای تضمین اقدامات مشروح زیر را دارد یا باید داشته باشد (Halajová, 2020: 145).

153: 2009, Doswald-Beck &). این دومی به‌خودی‌خود جنایت جنگی نیست، بلکه روشی است برای «مسؤول ساختن فرمانده برای جنایات جنگی زیردستان» که در آن مافوق مسؤول قصور مقصر خود شناخته می‌شود (Yokohama, 302: 2018). براساس حقوق بین‌الملل عرفی، یک فرمانده در صورتی ممکن است مسؤول باشد: ۱- او کنترل مؤثری بر زیردستان خود اعمال کند؛ ۲- از اقدامات مجرمانه واقعی یا موردنظر زیردستان اطلاع داشته باشد یا دلیلی برای اطلاع داشته باشد؛ ۳- اقدامات لازم و معقول را جهت جلوگیری یا مجازات آن‌ها انجام ندهد (Dungel & Ghadiri, 2010: 6). مشکل پاسخگویی در قبال نقض قوانین بین‌المللی در مورد سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار بوده است، از دلایل اصلی این امر، ظرفیتی است که این سیستم‌ها جایگزین یکی از نقش‌های اساسی انسان‌ها در جنگ خواهد شد، از جمله تصمیم‌گیری در مورد انتخاب و درگیری با اهداف نظامی که پیامد آن می‌تواند این باشد که هیچ راهی برای انتساب مسئولیت فردی خارج از مسئولیت فرماندهی تضعیف شده وجود نخواهد داشت (Wagner, 2014: 1374). از آنجایی که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار برای نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه مشمول مجازات نیستند، این نوع مسئولیت تنها زمانی ممکن است ایجاد می‌شود که یک فرمانده بداند یا بی‌ببرد که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار می‌تواند قانون جنگ را نقض کند و اقدامات معقولی برای جلوگیری از آن انجام نمی‌دهد (Williamson, 2008: 307).

۳-۲-۱- کنترل مؤثر

اولین عنصر مسئولیت فرمانده، وجود رابطه مافوق - زیردست بین فرمانده و فرد است، یعنی فرمانده بر دیگری «کنترل مؤثر» دارد. کنترل مؤثر در این زمینه مستلزم «توانایی مادی برای پیشگیری و مجازات رفتار مجرمانه» است. در رابطه با این الزام، استدلال شده است که از آنجایی که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار ممکن است با سرعت‌های بالا عمل کند که فرماندهان را از توقف حمله بازدارد، جلوگیری از

^۱ این فرضیه تنها در مواردی مطرح می‌شود که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار توسط اپراتور برخلاف قوانین بین‌المللی بشردوستانه که مستقیماً توسط فرمانده دستور داده نشده است، استفاده شده باشد، در این صورت، فرمانده مسؤول

این فرضیه تنها در مواردی مطرح می‌شود که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار توسط اپراتور برخلاف قوانین بین‌المللی بشردوستانه که مستقیماً توسط فرمانده دستور داده نشده است، استفاده شده باشد، در این صورت، فرمانده مسؤول

۳-۲-۳- اقدامات لازم و معقول

بند ۲ ماده ۸۶ پروتکل ۱ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو به فرماندهان دستور می‌دهد تا تمام اقدامات ممکن را در حدود اختیارات خود برای جلوگیری یا سرکوب نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی انجام دهند. در مورد استقرار سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار این خطر واقعی وجود دارد که آن‌ها به روش‌های غیرقابل پیش‌بینی رفتار کنند که مستلزم به‌کارگیری چندین اقدامات احتیاطی برای به حداقل رساندن این خطر است.

مانند بسیاری از سلاح‌های پیچیده مدرن، یک ساختار فرماندهی اختصاصی، ویژه در عملیات و نگهداری آن‌ها، برای استقرار سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار مورد نیاز است. این باید مستلزم یک کارمند پشتیبانی است که دارای تخصص فنی برای انجام یک ارزیابی مداوم از انطباق سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار با حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد (Margulies, 2012: 433-407). اولین گام در این ارزیابی، انجام یک مرحله بازبینی کامل تسلیحات است که به فرمانده و گروهش اجازه می‌دهد تا با شیوه‌های عملیاتی سیستم‌های تسلیحاتی آشنا شوند، مانند هر وسیله و روش دیگری جنگ، فرماندهی که مسؤول استقرار آن است باید به‌درستی نحوه عملکرد سلاح را درک کند، سپس به ارزیابی دوره‌ای از عملکرد سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار در این زمینه نیاز دارد تا اطمینان حاصل شود که نرم‌افزار آن مطابق با قوانین بین‌المللی بشردوستانه عمل می‌کند (Margulies, 2012: 407-431) و ادامه به‌روزرسانی و تنظیمات پایگاه داده سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار و رابط رهنمودها و پارامترهایی که باید برای دستیابی به این هدف اعمال شوند باید توسط هر کشور تعیین شود. به این معنا، اگر فرمانده نتواند تأیید کند که پایگاه داده به روز شده است یا آزمایشات اخیر نشان می‌دهد که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار همچنان پارامترهای هدف‌گیری حقوق بشردوستانه بین‌المللی را رعایت می‌کند، فرمانده موظف است قوانین را متوقف کند (Sassóli, 2014: 325). نقش دولت در فرآیند توسعه سیستم‌های تسلیحاتی، این مفهوم را تقویت می‌کند، زیرا دولت کنترل نتیجه نهایی یک سیستم تسلیحاتی

را از طریق فرآیند توسعه، در مشخصات و الزامات محصول، رویه‌های آزمایش و ... حفظ می‌کند (Elias, 2018: 103)، در نتیجه اگر دولتی سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار را با چنین ساختار فرماندهی اختصاصی به‌کار گیرد، از بسیاری از موقعیت‌های غیرقانونی جلوگیری می‌شود و موقعیت‌های تصادفی را به حداقل می‌رساند که مطابق با استاندارد انسانی قابلیت اطمینان باشد.

۳-۲-۴- مسؤلیت فرمانده برای جنایت جنگی زیردستان

مفهوم مسؤلیت مافوق ریشه در مخاصمات کشورها، ملل و تمدن‌ها دارد. تنها مشکلی که به‌نظر می‌رسد با به‌کارگیری مسؤلیت فرماندهی برای نقض‌های ناشی از قوانین ایجاد می‌شود، این است که دکتترین مسؤلیت فرماندهی تنها زمانی قابل استناد است که یک جنایت جنگی توسط یک زیردست انجام شده باشد. باین‌حال، همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، جنایات جنگی مستلزم وجود یک عنصر روانی است که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار قادر به داشتن آن نیستند (Crotoft, 2016: 1378)، درحالی‌که این درست است، حذف قابل مجازات تحت مسؤلیت فرمانده خود جنایت جنگی نیست، بلکه شکست در جلوگیری از نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه است.

در مورد ماده ۸۶ پروتکل ۱ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، کارشناسان و مقامات دولتی در طول کار مقدماتی آن به‌دنبال ارائه یک قاعده بین‌المللی در مورد حذف بودند. علاوه بر این، در پرتو موضوع و هدف آن متوجه می‌شویم که هدف آن مجازات عدم انجام عمل است (Pilloud et al, 1977: 86) و برای ترویج پیروی از قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به‌ویژه حمایت از افراد و کاهش تعداد جرایم ارتكابی (Dungel & Ghadiri, 2010: 12). از این‌رو، براساس قواعد عرفی

است؛ بنابراین این واقعیت که هیچ مسئولیت کیفری نمی‌تواند در موارد واقعاً تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی تعیین شود، شکاف پاسخگویی را ایجاد نمی‌کند، زیرا آن‌ها نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه نیستند. مسئولیت کیفری فردی که مجرمان را ملزم به اطمینان از ارتکاب جرم می‌کند، برای رفع این نگرانی‌ها مناسب نیست. صرف احتمال وقوع نقض برای مطابقت با عنصر روانی که تحت قوانین مدرن تر حقوق بین‌الملل کیفری لازم است کافی نیست. این بدان معنی است که اگر یک اپراتور یا فرمانده دستور ادامه استفاده از سیستم‌های تسلیحات خودگردان مرگ‌بار را بدهد که قبلاً انجام داده است در صورت مشاهده علائم نقص، نمی‌توان شخصاً مسؤول مرگ افراد محافظت‌شده یا آسیب به اموال محافظت‌شده باشد.

با این حال، این بدان معنا نیست که عامل غیرقابل پیش‌بینی سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار ممکن است استفاده مداوم از آن‌ها را تحت شرایط خطرناک بدون مجازات کند. برای جلوگیری از هرگونه رفتار نامنظم این نوع سیستم‌های تسلیحاتی می‌توان و باید اقدامات احتیاطی متعددی انجام داد: اولاً، استقرار هر سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار مستلزم ساختار فرماندهی و گروه پشتیبانی اختصاصی با تخصص فنی لازم در عملیات و نگهداری سیستم‌های تسلیحاتی است؛ ثانیاً، قبل از استقرار آن باید یک مرحله بررسی کامل تسلیحات انجام شود تا به فرمانده و گروهش اجازه دهد تا با شیوه‌های عملیاتی سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار آشنا شوند. در نهایت، یک ارزیابی مکرر و دوره‌ای از عملکرد سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار در این زمینه باید انجام شود تا امکان به‌روزرسانی و تنظیمات لازم در پایگاه داده و رابط سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار فراهم شود. از این نظر، به نظر می‌رسد که مسئولیت فرماندهی حداکثر جلوگیری از عملکرد نادرست سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار را ممکن می‌سازد. مسئولیت فرماندهی نیاز به عنصر ذهنی کمتری دارد که این نوع موقعیت را پوشش می‌دهد. علاوه بر این، از بین تمامی افراد و نهادهای احتمالاً مسؤول

تفسیر معاهده^۱، حتی اگر سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار نتواند با عنصر روانی جنایات جنگی مطابقت داشته باشد، وظیفه جلوگیری از نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه باید در مورد اقدامات سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار اعمال شود (Halajová, 2020: 143). برعکس، غیرقابل اجرا بودن این نوع مسئولیت، هدف از وجود آن را کاملاً از بین می‌برد.

علاوه بر این، اجرای سه الزام دیگر تضمین می‌کند که کاربرد آن برای فرمانده منصفانه است که پس از اجرای تمام اقدامات پیشگیرانه فوق، در قبال رویدادهایی که واقعاً غیرقابل پیش‌بینی هستند، پاسخگو نخواهند بود. به‌کارگیری این استاندارد مسئولیت تضمین می‌کند که افرادی که سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار را به کار می‌گیرند، دائماً پارامترهای سلاح را بررسی و تنظیم می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که از هرگونه اشتباه قابل پیش‌بینی جلوگیری می‌شود (Badar, 2009: 467) و این اجازه می‌دهد که مسئولیت کیفری براساس سطح یا درجه گناه تعیین شود.

نتیجه‌گیری

مسئله پاسخگویی در مورد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه یکی از نگرانی‌هایی است که با توسعه و استقرار سیستم‌های تسلیحات خودگردان مرگ‌بار به‌وجود می‌آید. این نگرانی ناشی از توانایی آن‌ها برای انتخاب اهداف خود بدون تأیید اپراتور انسانی است که اقدامات آن‌ها را بسیار غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. با وجود این که چندین روش پاسخگویی (مسئولیت دولتی، مسئولیت کیفری، مسئولیت سازنده و مسئولیت اداری) تحت چهارچوب قانونی که برای تخصیص مسئولیت برای نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه ناشی از سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار موجود است، مقاله حاضر به بررسی مسئولیت کیفری ناشی از این نوع تخلفات بود. مسئولیت کیفری تنها زمانی قابل تعیین است که درجاتی از تقصیر وجود داشته باشد که بسته به نحوه مسئولیت متفاوت

^۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری بارها اعلام کرده است که مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات منعکس‌کننده قواعد عرفی تفسیر معاهدات است.

- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). «جنبه‌های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل کیفری». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۸(۴۴): ۲۶۲-۲۲۳.

- رفیعی، عباس؛ میرعباسی، سیدباقر و عطشانه، منصور (۱۴۰۱). «مسئولیت کیفری اشخاص در حقوق بین‌الملل». *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۲): ۳۰۵-۲۸۷.

- عباسی، محمود و تیموری، مهرداد (۱۴۰۳). *درآمدی بر حقوق هوش مصنوعی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات حقوقی.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۳). «مسئولیت کیفری بین‌المللی». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱(۱۵): ۱۶۹-۱۹۹.

ب. منابع انگلیسی

- Ambos, K (2013). *Treatise on International Criminal Law*. Volume 1. Foundations and General Part. Oxford: Oxford University Press.

- Badar, M & Porro, S (2015). *Rethinking the Mental Elements in the Jurisprudence of the ICC*. In: Stahn C (ed) *The Law and Practice of the International Criminal Court*. Oxford: Oxford University Press.

- Badar, M (2009). "Dolus Eventualis and the Rome Statute without It? New Criminal Law Review". *Journal of International & Interdisc*, 12(3): 433-467.

- Bills, G (2014). "LAWS unto Themselves: Controlling the Development and Use of Lethal Autonomous Weapons Systems". *Journal of Geographic Washington Law*, 83(1): 176-208.

- Bo, M (2021). "Autonomous Weapons and the Responsibility Gap in light of the Mens Rea of the War Crime of Attacking Civilians in the ICC Statute". *Journal of International Criminal Justice*, 19(2): 275-299.

- Cass, K (2015). "Autonomous Weapons and Accountability: Seeking Solutions in the Law of War". *Journal of Law Review*, 48(1): 1017-1067.

- Clark, R (2008). "Drafting a General Part to a Penal Code: Some Thoughts Inspired by the Negotiations on the Rome Statute of the International Criminal Court and by the Court's First Substantive Law Discussion in the Lubanga

هرگونه نقص در سیستم‌های تسلیحات خودمختار مرگ‌بار، فرماندهان در بهترین موقعیت برای کنترل نحوه و محیطی که سیستم‌های تسلیحاتی در آن مستقر می‌شوند و نظارت بر عملکرد روزمره آن‌ها هستند. باین‌حال، برای امکان‌پذیر شدن این نظارت، باید ساختار فرماندهی ویژه‌ای وجود داشته باشد که شامل تیمی از افراد با تخصص فنی برای آزمایش و نظارت مداوم بر عملکرد سیستم‌های تسلیحاتی باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: پژوهش حاضر، مستخرج از رساله رساله دکتری نویسنده اول با موضوع «کاربست هوش مصنوعی در فرآیند عدالت کیفری قرائتی از حقوق جزای فناورانه» در دانشگاه ملایر می‌باشد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- خاقانی اصفهانی، مهدی و تیموری، مهرداد (۱۴۰۳). «جلوه‌های افتراقی حقوق مظنونان، متهمان و محکومان در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». *فصل‌نامه حقوق جزای بین‌الملل*، ۲(۵): ۳۰-۱۷.

- خالقی، ابوالفتح و میرزایی مقدم، مرتضی (۱۳۹۲). «مسئولیت کیفری بین‌المللی در پرتو نظریه فعالیت مجرمانه مشترک». *فصل‌نامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴(۷): ۹۷-۱۱۹.

- Krupiy, T (2018). "Regulating a Game Changer: Using a Distributed Approach to Develop an Accountability Framework for Lethal Autonomous Weapon Systems". *Journal of Geographic Washington Law*, 50(1): 45-112.
- Leiden, RS (1996). *Machine Learning*. In: Boden M (ed) Artificial Intelligence. San Diego: Academic Press.
- Margulies, P (2012). *Making autonomous weapons accountable: Command responsibility for computer-guided lethal force in armed conflicts*. In: Ohlin J (ed) Research Handbook on Remote Warfare. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Martinez, J (2007). "Understanding Mens Rea in Command Responsibility". *Journal of International Criminal Justice*, 5(3): 638-664.
- Mittelstadt, BD; Allo, P; Taddeo, M; Wachter, S & Floridi, L (2016). "The ethics of algorithms: Mapping the debate". *Journal of Big Data & Society*, 3(2): 1-21.
- Mull, N (2018). "The Roboticization of Warfare with Lethal Autonomous Weapons Systems (LAWS): Mandate of Humanity or Threat to It?" *Journal of International Law*, 40(1): 461-530.
- Ohlin, J (2013). "Targeting and the Concept of Intent". *Journal of International Law*, 35(1): 79-130.
- Ohlin, J (2016). "The Combatant's Stance: Autonomous Weapons on the Battlefield". *Journal of International Law Studies*, 92(1): 1-30.
- Sassóli, M (2014). "Autonomous Weapons and International Humanitarian Law: Advantages, Open Technical Questions and Legal Issues to be clarified". *Journal of International Law Studies*, 90(1): 308-340.
- Schabas, W (2016). *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*. Oxford: Oxford University Press.
- Sparrow, R (2007). "Killer Robots". *Journal of Applied Philosophy*, 24(1): 68-69.
- Sparrow, R (2016). "Robots and Respect: Assessing the Case against Autonomous Weapon Dyilo Confirmation Proceedings". *Journal of Criminal Law Forum*, 19(1): 519-552.
- Crootof, R (2015). "War, Responsibility and Killer Robots". *North Carolina Journal of International Law and Commercial Regulation*, 40(4): 909-932.
- Crootof, R (2016). "War Torts: Accountability for Autonomous Weapons". *University of Pennsylvania Law Review*, 164(6): 1347-1402.
- Dungal, J & Ghadiri, S (2010). "The Temporal Scope of Command Responsibility Revisited: Why Commanders Have a Duty to Prevent Crimes Committed after the Cessation of Effective Control". *Journal of International Law & Policy*, 17(1): 1-40.
- Elias, D (2018). Autonomous Weapons Systems and the Rights of Victims: Compensation Claims under Norwegian Law for Violations Committed through the Use of Autonomous Weapons. *Journal of Oslo Law Review*, 5(2): 103-122.
- Finnin, S (2012). *Elements of accessory modes of liability: Article 25 (3)(b) and (c) of the Rome Statute of the International Criminal Court*. Leiden: Brill-Nijhoff Publishers.
- Geiß, R & Lahmann, H (2017). *Autonomous weapons systems: a paradigm shift for the law of armed conflict? In: Ohlin J (ed) Research Handbook on Remote Warfare*. Cheltenham; Edward Elgar Publishing Limited.
- Halajová, L (2020). "Individual Criminal Responsibility for War Crimes Resulting from the Use of Autonomous Weapons Systems". *Journal of International Law*, 10(1): 130-152.
- Henckaerts, J & Doswald-Beck, L (2009). *Customary International Humanitarian Law*. Volume 1. Cambridge: Cambridge University Press.
- Henderson, I; Keane, P & Liddy, J (2017). *Remote and autonomous warfare systems: precautions in attack and individual accountability*. In: Ohlin J (ed) Research Handbook on Remote Warfare. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.

Systems”. *Journal of Ethics and International Relations*, 30(1): 93-116.

- Van der Vyver, J (2004). “The International Criminal Court and the Concept of Mens Rea in International Criminal Law”. *University of Miami International & Comparative Law Review*, 12(1): 57-149.

- Wagner, M (2014). “The Dehumanization of International Humanitarian Law: Legal, Ethical and Political Implications of Autonomous Weapon Systems”. *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 47(1): 1371-1424.

- Wagner, M (2014). “The Dehumanization of International Humanitarian Law: Legal, Ethical and Political Implications of Autonomous Weapon Systems”. *Journal of Transnational Law*, 47(5): 1371-1424.

- Werle, G & Jeßberger, F (2014). *Principles of International Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press.

- Williamson, J (2008). “Some Considerations on Command Responsibility and Criminal Liability”. *Journal of International Rev of the Red Cross*, 90(870): 303-317.

- Yokohama, K (2018). “The Failure to Control and the Failure to Prevent, Repress and Submit: The Structure of Superior Responsibility under Article 28 ICC Statute”. *Journal of International Criminal Law*, 18(1): 275-303.